

حیف است که «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» به خاطره‌ها بپیوندد

آخرین فرصت نجات یک هنر بومی

سهیل مسیبی

نقاش و پژوهشگر نقاشی قهوه‌خانه‌ای

سمت آثار استاد حمیدی حرکت کردند از فرصت استفاده کردم و در حد دو سه دقیقه به صورت مختصر و مفید دغدغه‌های خودم و سایر اساتید را با آنها در میان گذاشتم. مهم‌ترین آنها «تأسیس موزه تخصصی نقاشی قهوه‌خانه‌ای» بود، بزرگ‌ترین آرزوی همه نقاشان قهوه‌خانه‌ای؛ چه آنان که در قید حیات هستند و چه آنها که سالیان سال است در جوار رحمت حق آرمیده‌اند. دغدغه‌ای که به سالیان نه چندان دور برمی‌گردد. سال ۱۳۷۳ نمایشگاهی تحت عنوان «مصیبت کربلا» در کاخ‌موزه سعدآباد برگزار شد.

مرحوم استاد بلوکی‌فر با گلایه در مصاحبه‌ای اظهار کردند، متأسفانه هنوز مکانی رسمی برای بسط و گسترش این هنر توسط مسئولین در نظر گرفته نشده است. حتی اگر بخواهیم می‌توانیم کمی به عقب‌فر یعنی به سال ۱۳۷۲ برویم، زمانی که دومین دوسالانه نقاشان در موزه هنرهای معاصر در حال برگزاری بود.

آن زمان برای اساتید مرحوم اسماعیل‌زاده و همدانی بزرگداشتی برگزار شد. خدا بی‌بمزه‌ها مهم‌ترین درخواستشان این بود که «فضایی برای نشر و گسترش نقاشی قهوه‌خانه‌ای اختصاص داده شود». طی این سال‌ها این درخواست بارها و بارها در وزارت میراث فرهنگی، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرداری تهران مطرح شد، اما به‌رغم وعده‌هایی که داده شد نتیجه‌ای در بر نداشت... مسائلی دیگری هم بود که به خاطر محدودیت‌های زمانی و مکانی نمایشگاه فرصت نشد مطرح کنم از جمله: فقدان کارشناس متخصص نقاشی قهوه‌خانه‌ای در سطح موزه‌های کشور، ضربه‌هایی به پیکر نحیف و نیمه‌جان این هنر توسط افرادی تحت عنوان هنرمند و پژوهشگر وارد آمد، این افراد متأسفانه توسط بعضی از مدیران حمایت شدند و... در این دیدار کوتاه آقای دکتر ظریف و خانم دکتر

حضور دو تابلوی «جنگ خیبر» و «نقالی در قهوه‌خانه سنتی» به سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای اثر استاد عزیزم جناب آقای محمدرضا حمیدی در نمایشگاه سروسیمین که این روزها در کاخ‌موزه سعدآباد در حال برگزاری است، بهانه‌ای شد تا برای تماشای آثار استاد و بقیه اساتید فعال در سایر رشته‌های مربوط به هنرهای سنتی و صنایع دستی آن هم در روز افتتاحیه حضور داشته باشم.

این بازدید از نمایشگاه برای من یک اتفاق معمولی نبود، مهم بود و سرنوشت‌ساز، چرا که در نظر داشتم به عنوان جوان‌ترین فردی که همه زندگیش را وقف نقاشی قهوه‌خانه‌ای و تحقیق و پژوهش در این زمینه کرده از دغدغه‌ها و نگرانی‌های خودم در مورد وضعیت فعلی و آینده این هنر رو به نابودی با مدیران و مسئولان وقت وزارت میراث فرهنگی سخن بگویم. از طرفی هم مأموریت داشتم صدای جامعه نقاشان قهوه‌خانه‌ای باشم؛ همان‌ها که تعدادشان به انگشتان دست هم نمی‌رسد و در این سال‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفتند.

برای نمونه از این جمع محدود می‌توانم به دو نفر اشاره کنم؛ اولین آنها استاد محمدرضا حمیدی است که بنده افتخار این را دارم که شاگرد ایشان هستم. همین چند وقت پیش هم یک پرده نقالی از ایشان با موضوع ((تاریخ خراسان)) رونمایی شد که نقطه عطفی شد در تاریخ پرده‌کشی. نفر دوم هم جناب مهندس جواد عقیلی است.

عقیلی نقاش قهوه‌خانه‌ای و مجموعه‌دار است که متأسفانه به خاطر عارضه تنفسی و کهولت سن چند سالی است دست به قلم نیستند. با توجه به سن بالای اساتید باید در فکر چاره بود و این وضعیت را سرو سامان داد. خلاصه که هرچیز شده باید این موارد را مطرح می‌کردم. هنگامی که دکتر محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهوری به اتفاق خانم دکتر مریم جلالی، معاون صنایع دستی وزیر میراث فرهنگی برای بازدید به



هنرمند: امیر برقدگان

رشته: صنایع دستی چوبی و حصیری

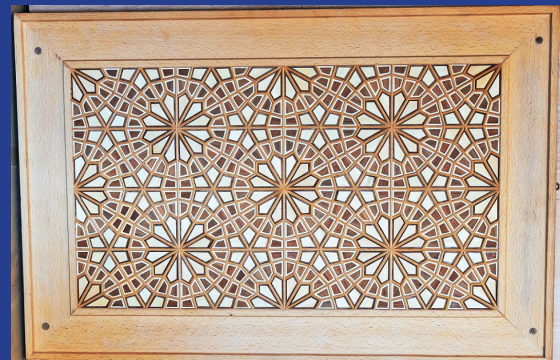
شهر: همدان



هنرمند: عباس دل‌زنده

رشته: صنایع دستی چوبی و حصیری

شهر: همدان



هنرمند: امیر برقدگان

رشته: صنایع دستی چوبی و حصیری

شهر: همدان



جنگ خیبر اثر استاد محمدرضا حمیدی